

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه بحث منصب تشریع پیامبر و حضرات معصومین (علیهم السلام)

بحث در تفویض امر تشریع، به نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) بود. این بحث، بحث بسیار مهمی است که متأسفانه خیلی به این بحث پرداخته نشده است. نکاتی را بیان کردیم و نکاتی دیگری هم باقی مانده که باید بیان شود.

بررسی برخی آیات به ظاهر مخالف با مدعا

در قرآن آیاتی داریم که می‌گوید قرآن تبیاناً لكل شیء است^[1] یا هیچ چیز در قرآن فروگذار نشده است^[2] یا هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در قرآن آمده باشد.^[3] شاید برای کسی سوال پیش بیاید که آیا چنین آیاتی کفایت نمی‌کند که هر چه مربوط به امر تشریع است در قرآن بیان شده است؟

روایتی در ارتباط با آیه اول وارد شده که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید من همه آنچه که در آسمان‌ها، زمین، بهشت و جهنم و همه آنچه که هست و بود را می‌دانم. در ادامه حضرت مکثی کردند و دیدند درک این مطلب برای مستمع خیلی سنگین است لذا فرمود من این علوم را از قرآن کریم بدست آوردم و در ادامه این آیه را خواندند «إن الله عزوجل يقول فيه تبیان کل شیء».^[4]

روایت دیگر از امام باقر (علیه السلام) است که فرمود «إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَسَأَلُونِي عَنْهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ فِي بَعْضِ حَدِيثِهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَهَى عَنِ الْقِيلِ وَالْقَالِ وَ فَسَادِ الْأَمْوَالِ وَ فَسَادِ الْأَرْضِ وَ كَثْرَةِ السُّؤَالِ» پیامبر از قیل و قال، فساد، از بین بردن مال و از کثرت سؤال نهی کردند.

بعد راوی می‌گوید به امام باقر عرض کردیم یابن رسول الله شما که می‌گوئید وقتی من حدیثی خواندم از من بپرسید از کجای قرآن است الان هم این حدیث را از رسول خدا خواندید «أَيُّنَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ؟ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَقَالَ وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَ لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ» از «لا خیر»، نهی از قیل و قال، از «لا تؤتوا السفهاء أموالكم التي جعل الله لكم قياماً» و از «لا تسألوا عن أشياء إن تبد لكم تسألکم» نهی از کثرت سؤال را استفاده کردند.^[5]

نکته اول نسبت به آیات مذکور این است که اگر ما باشیم و روایت اول، هر چند امام می‌گویند من عالم به اخباری که در آسمان‌ها، الأرض، الجنة ما يكون و ما كان هستم و این علوم را از قرآن بدست آوردم، ولی از این مطلب استفاده نمی‌شود که

همه علوم در قرآن آمده باشد، چون تمام این امور و اخبار مثل رفت و آمد ملائکه، ارتباطات بین مردم، قضایا و قصص گذشته، قضایای حال و قضایای آینده، همه مرتبط به هدایت بشر است. البته ما معتقدیم خود ائمه منبع همه علوم بودند و آیات قرآن مؤید این مطلب است.^[6] ضمن این که در کتاب الحجه کافی هم روایاتی در این باره وارد شده است و جا دارد آقایان یک دور این روایات را مباحثه کنند.

مجمع البیان در ذیل آیه «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» می گوید قرآن کتاب هدایت برای بشر است و هر چه مربوط به هدایت بشر باشد در آن ذکر شده است پس چون اگر بشر مثلاً علم فیزیک یا ریاضی هم بلد نباشد محلّ به هدایت او نیست لذا این علوم در قرآن کریم ذکر نشده است.^[7] در نتیجه روایتی که از امام صادق (علیه السلام) ذکر کردیم مسئله را از آنچه صاحب مجمع البیان بیان کرده بیشتر توسعه می دهد.

مرحوم آقای طباطبائی در تبیان لكل شيء می گوید «و إذ كان كتاب هداية لعامة الناس و ذلك شأنه كان الظاهر أن المراد بكل شيء كل ما يرجع إلى أمر الهداية مما يحتاج إليه الناس في اهتدائهم من المعارف الحقيقية المتعلقة بالمبدأ و المعاد و الأخلاق الفاضلة و الشرائع الإلهية و القصص و المواعظ فهو تبیان لذلك كله».^[8] در کلام ایشان هم نسبت به کلام ذکر شده از مجمع البیان توسعه وجود دارد چون ایشان می گویند قرآن کریم شامل احکام، عقاید، اخلاق، قصه ها، مواعظ، شرایع گذشته، اخلاق فاضله و اعتقادات است و قرآن نسبت به اینها تبیان لكل شيء است.

البته هر چند مسلم است که در قرآن کریم گاهی اوقات اصولی مرتبط با یکی از این علوم ذکر شده است مثلاً آیه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»^[9] یک اصل قرآنی است ولی به صورت کلی و بالبداهه می دانیم قرآن راجع به علم ریاضی، فیزیک، شیمی، طب، فلسفه و... تبیان نیست؛ پس نکته اول در مورد آیه این شد که آیه شامل همه علوم نیست.

نکته دوم از روایات استفاده می شود و آن این که نسبت به امر هدایت هم همه احکام به تصریح ذکر نشده است یعنی هر چند قرآن کریم در امر هدایت تبیان است ولی تبیان بودن به این معنا نیست که خدا تمام احکام را بالصراحه بیان فرموده باشد؛ به بیان دیگر جمیع الحلال و الحرام در قرآن ذکر نشده بلکه برخی هم در سنت آمده است.

مثلاً هر چند اصل نماز صبح با عبارت «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»^[10] در قرآن کریم ذکر شده ولی کجای قرآن آمده که نماز صبح دو رکعت است؟ بسیاری از واجبات و محرمات دیگر نیز مانند احکام حج، برخی مفطرات روزه و... هم در قرآن ذکر نشده است.

روایتی ذیل آیه «ما آتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا»^[11] در گذشته اشاره کردیم که ابن مسعود نسبت به مشروع بودن رسول اکرم به آن زن گوشزد کرده بود پس دلالت می کند که همه احکام در قرآن به تصریح ذکر نشده است.^[12]

در کافی کتاب فضل العلم، باب بیستم «بَابُ الرَّدِّ إِلَى الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ، وَ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ جَمِيعِ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ إِلَّا وَ قَدْ جَاءَ فِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ» نام دارد یعنی هیچ چیز از حلال و حرام نیست الا اینکه در قرآن و سنت وجود دارد.

در این باب حماد از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند از این حلال و حرام هایی که ما می گوئیم نیست مگر این که یا ریشه در قرآن و یا سنت دارد.^[13] همین روایات دلالت بر تشریع النبی دارد چون امام (علیه السلام) «ما من شيء من الحلال و الحرام» را منحصر در قرآن نمی کند بلکه می فرماید در قرآن و یا سنت وجود دارد.

بله این مسئله وجود دارد که ریشه احکام در قرآن است یعنی ملاکات جمیع احکام در قرآن وجود دارد. در روایتی که از امام

باقر (علیه السلام) ذکر کردیم که ایشان ریشه منهیات پیامبر را به قرآن برگرداندند نیز این مطلب ذکر شد.

امام صادق (علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید «مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلِفُ فِيهِ اثْنَانِ إِلَّا وَلَهُ أَصْلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنْ لَا تَبْلُغُهُ عُقُولُ الرِّجَالِ». موضوع اختلافی که در روایت مطرح شده اموری مانند اعتقادات، تشریع، اخلاق، هدایت و... است نه این‌که کسی بگوید دو نفر در فلان فرمول ریاضی اختلاف دارند باید به قرآن مراجعه کنند. مراد از اصل هم در روایت همان ملاک است.^[14]

مسلم است که تطبیق ملاک بر مصداق کار افراد عادی و حتی در بعض موارد کار مجتهدین هم نیست. فهم بعضی ملاکات تنها به دست معصوم است در نتیجه اگر امام به جهت وجود ملاک حکمی را بیان کرد، تشریع نام دارد. تشریع توسط خداوند، رسول و ائمه به این معناست که اینها بر چیزی تصریح کنند. در نتیجه روایاتی که ائمه می‌فرمایند اگر ما چیزی می‌گوئیم در قرآن وجود دارد به این معنا نیست که ملاک مطلب لزوماً در ظاهر آیه ذکر شده‌است بلکه امکان دارد تنها ملاک حکم در آیه ذکر شده باشد و امام موضوع را بر آن ملاک تطبیق می‌دهد.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] □ «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ». نحل، 89.

[2] □ «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ». انعام، 38.

[3] □ «لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ». انعام، 59.

[4] □ «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمْ عَبْدُ الْأَعْلَى وَ أَبُو عُبَيْدَةَ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَشِيرٍ الْخَنَعَمِيُّ سَمِعُوا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبُرَ عَلَى مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ فَقَالَ عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِيهِ تِبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ». الكافي (ط - الإسلامية)، ج 1، ص: 261.

[5] □ «عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَسَأَلُونِي عَنْهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ فِي بَعْضِ حَدِيثِهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَهَى عَنِ الْقِيلِ وَ الْقَالِ وَ فُسَادِ الْمَالِ وَ فُسَادِ الْأَرْضِ وَ كَثْرَةِ السُّؤَالِ قَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَيْنَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ قَالَ وَ لَا تَوُتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَ لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ». المحاسن، ج 1، ص: 269.

[6] □ برای نمونه ر.ک «ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَ يَقُولُ أَتَيْنَ شُرَكَائِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَ السُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ» النحل: 27.

[7] □ «تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» أي بیانا لكل أمر مشکل و معناه لیبین كل شيء يحتاج إليه من أمور الشرع فإنه ما من شيء يحتاج الخلق إليه في أمر من أمور دينهم إلا و هو مبين في الكتاب إما بالتنصيص عليه أو بالإحالة على ما يوجب العلم من بيان النبي ص و الحجج القائمين مقامه أو إجماع الأمة فيكون حكم الجميع في الحاصل مستفادا من القرآن...» مجمع البيان في تفسير القرآن، ج 6، ص: 586.

[8] □ الميزان في تفسير القرآن، ج 12، ص: 325.

[9] □ انبیاء، 30.

[10] □ اسراء، 78.

[11] □ حشر، 7.

- [12] □ «روي أن ابن مسعود كان يقول: مالي لا ألعن من لعنه الله في كتابه يعني الواشمة، والمستوشمة، والواصلة، والمستوصلة، وروي أن امرأة قرأت جميع القرآن، ثم أتته فقالت: يا ابن أم عبد، تلوت البارحة ما بين الدفتين، فلم أجد فيه لعن الواشمة والمستوشمة فقال: لو تلوتيه لوجدتیه.» مفاتيح الغيب، ج12، ص: 527.
- [13] □ «علي، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن حماد: عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: سمعته يقول: «ما من شيء إلا و فيه كتاب أو سنة». كافي (ط - دار الحديث)، ج1، ص: 151.
- [14] □ «محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن ابن فضال عن ثعلبة بن ميمون عن حماد عن المفضل بن خنيس قال قال أبو عبد الله ع ما من أمر يختلف فيه اثنان إلا وله أصل في كتاب الله عز وجل ولكن لا تبلغه عقول الرجال.» الكافي (ط - الإسلامية)، ج1، ص: 60.